

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله چهارم در فروع اکل و شرب می باشد، در مسئله اکل و شرب بین ما و اهل تسنن اختلافات فراوانی وجود دارد، ما طبق آنچه که در روایاتمان آمده است قائلیم اکل و شرب و طعام و شراب اگر از راه حلق وارد جوف شود مفطر می باشد ولو اینکه مثلاً آب یا شراب را از راه بینی بکشد بالاخره معیار این است که وارد معده شود و حتی ممکن است گاهی از راه حلق هم نباشد بلکه مثلاً یک راهی درست کنند و از زیر حلق غذا را وارد معده کنند، بعضی ها مثل صاحب جواهر و حاج آقا رضای همدانی گفته اند هر آنچه که از راه حلق وارد معده شود مفطر است خواه متعارف باشد یا غیر متعارف، بعضی ها هم گفته اند مطلق دخول در جوف و معده مفطر است پس فقه ما و روایات ما این طور می گویند، و اما در غیر از اینها فقط حقنه به مایع در روایات ما هست که مفطر صوم می باشد، بنابراین دخول در جوف یکی از این دو تا می باشد؛ اگر از طرف بالا باشد باید از طرف حلق وارد معده شود و اگر غیر از طرف بالا باشد فقط حقنه به مایع مفطر صوم می باشد و غیر از اینها ما دخول چیزی به بدن را مفطر نمی دانیم، اما اهل تسنن گفته اند هر چیزی که به جوف و به داخل بدن راه پیدا کند مثلاً خنجری بزند و یا دوائی بریزد مفطر است و آنقدر اهل تسنن برای این مسئله وسعت قائل شده اند که در فقه ما هم راه پیدا کرده است مثلاً شیخ طوسی در مبسوط و علامه در مختلف گفته اند اگر به إحلیلش دوا بریزد و از آنجا به مثانه وارد شود روزه را باطل می کند که به نظر بنده این حرف متأثر از فقه عامه می باشد و إلا چنین چیزی در روایات ما ذکر نشده.

حالا بنده از کتاب المغنی که چندین صفحه در این رابطه بحث کرده چند مطلب را می خوانم، کتاب المغنی در بین اهل سنت مثل جواهر ما می باشد و در ۱۲ جلد چاپ شده است و نویسنده آن ابن غدامه می باشد که تابع فقه حنبلی بوده، ایشان در کتابشان نوشته اند؛ الاول: «من اکل أو شرب أو إحتجم

أو إستعط أو أدخل إلى جوفه شيئاً من أى موضع كان أو قبل فأمنى أو أمذى بطل صومه فعليه القضاء»  
والثانی: «إن الحجامه یفطر بها الحاجم و المحجوم»  
والثالث: «یفطر بكل ما أدخل إلى جوفه أو مجفف فی جسده کدماغه و حلقه» و باز در ادامه می گوید که قی کردن هم روزه را باطل می کند خلاصه این غدامه در کتابش از ص ۳۵ تا ص ۵۰ درباره ما نحن فیه بحث کرده و به نه چیز اشاره کرده بنابراین اگر مقداری از این بحث در عروة مطرح شده ناظر به همین مطالب عامه و شیخ در مبسوط و خلاف و علامه در منتهی می باشد.

خوب صاحب عروة در مسئله چهارم می فرمایند (مسئله ۴):  
المدار صدق الأکل والشرب وإن کان بالنحو الغیر المتعارف، فلا یضر مجرد الوصول إلى الجوف إذا لم یصدق الأکل أو الشرب، کما إذا صب دواء فی جرحه، أو شيئاً فی أذنه أو إحلیله فوصل إلى جوفه، نعم إذا وصل من طریق أنفه فالظاهر أنه موجب للبطلان إن کان متعمداً لصدق الأکل والشرب حیثنذ.

مدار و میزان صدق اکل و شرب می باشد اگرچه از راه غیر متعارف باشد، فلذا مجرد رسیدن چیزی به جوف اگر صدق اکل و شرب را نکند اشکالی ندارد مثل اینکه دوا به داخل زخمش بریزد و یا اینکه چیزی در گوش و یا احلیلش بریزد و از آنجا به جوفش برسد، البته اگر عمداً چیزی را از راه بینی به حلقش و از آنجا به جوفش برساند ظاهراً موجب بطلان صوم می شود زیرا در اینجا اکل و شرب صدق می کند. این عبارتی که صاحب عروة در آخر مسئله بیان کردند همانطور که عرض کردیم نظر دارد به تفاوت بین ما و بین عامه که آنها مطلق هر چیزی که به جوف وارد شود را مبطل می دانند در صورتی که ما می گوئیم یا اکل و شرب است که باید از راه حلق باشد و یا اینکه باید حقنه به مایع باشد، فلذا ما در مذهب خودمان قیاس کردن چیزهای دیگر را به اینها جایز نمی دانیم در حالی که عامه قیاس به حقنه به مایع

متعمداً. اگر کارد یا نیزه را بدنش داخل کند به طوری که به جوف برسد روزه را باطل نمی کند، این در واقع همان وسعتی که سنی ها قائل شده اند و مادر مسئله قبل درباره آن بحث کردیم.

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً وصلى الله على

محمد وآله الطاهرين

کرده اند و گفته اند هر چیزی که به جوف وارد شود روزه را باطل می کند. در اینجا بعضی از محشین من جمله آیت الله بروجردی حاشیه دارند ایشان فرموده اند: «الأحوط ترک ما تعارف فی زماننا من تلقیح مواد الأدوية والأغذية الذی یکون تأثیره فی الیدن أقوى بمراتب من الأکل و الشرب»: احوط ترک بعضی از آمپولهایی است که به مراتب مقوی تر از خود غذا در بدن می باشد.

خوب بحث در اینجا برمی گردد به اینکه ما ببینیم حکمت و فلسفه روزه چیست؟ آیا حکمتش این است که در بدن ضعف ایجاد شود؟ که خوب با داخل شدن آن مواد از آمپولها این ضعف از بین می رود و بدن قوت می گیرد، به نظر بنده می توان گفت که روزه در واقع محرومیت از لذتها و ترک آنها می باشد مثلاً خوردن و آشامیدن و جماع و... لذتهایی دارند که انسان از آنها صرف نظر می کند و به جنبه معنوی توجه می کند، در واقع شارع مقدس این چیزها را برای روزه دار حرام کرده که روزه دار از این لذتهای بدنی و شهوانی و نفسانی صرف نظر کند و توجه کند به معنویات و خداوند متعال، بنابراین حکمت و فلسفه روزه این نبوده که شما ضعیف شوید بلکه این بوده که شما ترک لذات کنید و متوجه خداوند شوید. (اشکال و پاسخ استاد): حکمت با علت فرق دارد علت آن است که؛ یدور الحکم مداره، مثل لا تشرب الخمر لأنه مسکر، اما مراد از حکمت، فلسفه و حکمت تشریح یک حکمی می باشد اما حکم دائر مدار حکمتش نمی باشد مثلاً شارع مقدس فرموده زن از این جهت عده نگه دارد که اختلاط انساب نشود یعنی حکمتش این است اما حالا اگر زنی باشد که مثلاً یکسال شوهرش با او نزدیکی نکرده باز هم باید عده نگه دارد چونکه اختلاط انساب علت عده نگه داشتن نیست بلکه حکمت آن است، بنابراین ذکر مکاره دیگر برای صائم مثل احساس گرسنگی فقرا و احساس عطش یوم التیامه و امثال اینها علت برای صوم نمی باشند بلکه جزء حکمتهای صوم می باشند.

اما مسئله پنجم (مسئله ۵): لا يبطل الصوم بإنفاذ الرمح أو السكين أو نحوهما بحيث يصل إلى الجوف و إن كان